تعلیم الصبیان

مصنفه

حضرت فانی فی الله باقی بالله محبوب الله مولانا محمد عبید الله الملتانی رضی الله تعالی عنه

بسم الله الرحمن الرحیم

همگی حمد و ثنا مر آن ذات است که خالق جمله اشیا است و هم ظاهر در آنها جمیع و محیطات و غیر محدود و پاک است از شائبه تغیر و حدوث و تفرق و ترکیب جمیع بسیطات و مرکبات والحمد لله بر تعلیم این کلام او است پس هم حامد است او و هم محمود و درود و سلام نامحدود بر محمد است صلی الله علیه و سلم که صاحب مقام محمود است خود احمد و حامد و محمود و بر آل و اصحاب و پیروان او که مظهر هدایت و شفاعت وی اند تا الیوم الموعود اما بعد میگوید ملا عبید الله ملتانی که چون لد مسعود بخت عزیز جان مسمی عبد الرحمان احیاه الله تعالی و سائر المستفیدین من هذا الکتاب مع العلم و المعرفة و المحبة و التقوی و الایقان من ابتداء التکلم و ادراک اللسان استفسار حقایق اشیا میکرد که اشیا چیست و هم از خالق و صفات خالق می پرسید که خالق اشیا کیست و بکدام صفات موصوف است لاجرم این چند سطور در بیان حقایق اشیا بجهت اجمال و بیان بعض صفات خالق ذی الجلال و مظاهر آنها گفته می آید

نفعه الله تعالی و سائر الاطفال من المسلمین آمین و نام این رساله تعلیم الصبیان نموده
شد بدانکه علم بحقایق اشیا کما هی موقوف است بر فهم کامل و جد و جهد و ریاضات بسیار و
خدمت علمای ربانی و ذکر کثیر متواصل حتی النفس الآخر و یکبار تحصیل آنها متعذر لهذا
اولیای کمل بجناب الهی مناجات کرده اند که خلصنا عن الاشتغال بالملاهی وارنا حقایق
الاشیاء کما هی و خروشان اند و ملائکه با وجود تجرد از علایق جسمانی سبحانک لا علم لنا
الا ما علمتنا گویا و آنحضرت با وجود آنکه مخزن علوم و معارف است صلی الله علیه و سلم
خطاب و قل رب زدنی علماً وارد است پس دعوای کمال در علم بحقایق اشیا ادعای بارد است
و اما ذکر خالق تعالی و صفات او پس مذکور است بر سبیل اجمال در صفت ایمان که مشهور است و آنچه متعلق
است بآن از تفاصیل و بیان او اینست که خالق عالم ما را ناچار از وجود او است و موجود ذاتی است فی الحال و پیش از این قبل
از همه مخلوقات و بعد از همه مخلوقات از ازل و ابد که بدایة و نهایة مر او را نیست آن ظاهری که ادراک هویت او را حس
عجز و حیرت مانع نیست باطنی که کنه سر او را هیچ مخلوق را اطلاعی نیست زوال و فنا نیست
مثل و ضد و شریک مر او را نیست حی است یعنی زنده است بی واسطه روح و چیزی دیگر و او تعالی
نمی میرد بلکه زندگی جمله اشیا رشحه از فیض حیات او است عالم است که علم او محیط است بهر چیز تا که رازها

دل که پوشیده باشند و علم حاصل است مر او را بی تحصیل و کسب بلکه علوم جمیع مخلوقات
قطره از بحار علم او است اراده کننده که همه مرادات عالم رقمی از کتاب مشیة او است میکند آنچه
میخواهد قادری که قدرت او محیط است بجمیع کائنات پیدایش ممکنات از قدرت او است سمیعی که انواع لغات
و اصناف خطرات پیش از ظهور ضمایر در پرده اصوات مسموع شنوائی او است بی گوش تا آنکه آواز پای
کرمها که در بطون جبال اند و ماهیان در قعر بحار در اختلاط اصوات او را مانع از شنوائی نیست بصیر
که حرکت مور سیاه در تحت الثری منظور بینائی او است بی چشم گوینده است بی زبان کتب و امر و نهی
او جمله مخلوقات مطلق اند خالقی که جمله عالم از آسمان و زمین و عرش و کرسی و جنت و نار و ما فیهما
و غیرها از عدم بوجود آورده است لطیفی که ذات او جسم و جوهر و عرض و مصور و مکیف و متعدد و معدود
و محدود و متمکن نیست و از صفات مخلوقات پاک است و منزه از زمان و مکان و زن و فرزند و پدر و مادر
و حلول و استقرار و قرب و بعد و تغیر و زوال و تحول و انتقال و جهل و عجز و غفلت و ضعف و شک و
نسیان و سهو و غلط و کری و گنگی و لنگی و ظلم و کذب و محتاجی و جمیع صفات نقصان و قیام و
قعود و خوردن و آشامیدن و خفتن و خندیدن و گریستن و سوئی و چندی و بیشی و کمی و طول و عرض و عمق
نسبت رفعت او با عرش همچنان است که با تحت الثری و با وجود جلال و رفعت با بنده نزدیکتر است از

او بدل از خاطر و بروح از عیان و بدیده از بینائی و بگوش از شنوائی و بزبان از گویائی
تقربی که بسر او از ذات و صفات اوست نه تقربی که باوهام مدرسهٔ افهام کمتر ما در آید ذات او منزه
و موصوف است بنعوت و صفات کبریا و کمال و عظمت و جلال و بود و خواهد بود و منزه از تغیر و انتقال ظاهر
نشود مگر در انوار صفات خود و اشراق انوار صفات او متصور نیست مگر بمصابیح تجلیات ذات
و بقرب او نتوان رسید مگر برحمت او و بشناسائی کمال او نتوان شد مگر بمشیت او و جمال تجلی ذات
او مشاهده نتوان کرد مگر بنور او و اگر خواهد حقیرترین خلق را شناسای ذات مقدس خود گرداند و اگر
نخواهد زمین و آسمان و ملائکه مقربین از تحمل بار معرفت او فرو مانند و هر چه از انواع عذاب و تحمل بلیات
و رنج و قحط و خوف و اندوه و مشقت و دشواری و مضرت و گرفتاری که در عالم میرسد همه آثار عدل
آنحضرت است و هر چه از اصناف راحت و آسانی و فراخی و کامرانی و شادی و فرغت و امن و سعادت
و عیش و برکت که بر خلق میرسد همه نتایج فضل اوست و هر چه هست و بود و خواهد بود از اندک
و بسیار و نهان و آشکار و کفر و ایمان و عطا و حرمان و سود و زیان و نقصان و راحت
و مشقت و محنت و طاعت و معصیت و توبه و حیات و دولت و محبت همه بقضا و ارادت اوست و هیچ چیز
از حکم و مشیت او بیرون نیست و هیچ خواست او گرد و هر چه خواهد کند و باشد و همه کتابهای که

بانبیاء علیهم السلام فرستاده است همه حق است و کلام اوست و کلام او صفت اوست قدیم و کلام
او بصوت و حرف نیست و آنکه بصوت و حرف است دلالت میکند بر کلام قدیم اما حادث است
و باعتبار آنکه کلام لفظی حادث است دلالت میکند بر کلام ازلی قدیم کلام لفظی را کلام الله گفته
می شود و کتابهای منزل یکصد و چهار است و قیل که یکصد و چهارده است که بر بعضی انبیاء
منزل شده است چهار از آنها بزرگ است یکی توریت بموسی علیه السلام و انجیل بعیسی علیه السلام
و زبور بداود علیه السلام و فرقان بر محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و ده صحیفه بر آدم
علیه السلام و پنجاه بر فرزند او شیث علیه السلام و سی بر ادریس علیه السلام و ده بابست بر
ابراهیم علیه السلام پس واجب است که گفته شود که ایمان آوردیم بجمیع کتب الهی و عدد مخصوص
را در بیان نیاورده شود و این عالم را منزلگاه بقا و گذرگاه طالبان سعادت لقا گردانیده هر کس را
درین منزل اجلی تقدیر فرموده تا از منزلگاه دنیا که مکان مهلت و دار فرصت است و مزرعه
آخرت است زاد راه سعادت ابدی بردارند و بی زاد بدرقه قصد بادیهٔ آخرت نکنند و هر چه بر السنه
انبیاء علیهم السلام بخلق فرستاده است از تعیین آجال و ارزاق و عذاب قبر و در ثبوت حق تعالی
و درجات بهشت و درکات دوزخ و شفاعت انبیاء و اولیاء و علماء دین و مؤمنین صالحین

همه حق است و ایمان بهمه واجب و آن کننده حاجات بندگان بخشنده گناهان
بجز کفر و شرک اگر بنده بر کفر و شرک میرد و همه کارهای او بحکمت است و فائده هدایت کند
هرکرا خواهد و گمراه کند هرکرا خواهد بردبار است که بعذاب جلدی نمیکند و فرشتگان او مخلوق وی اند
همه بزرگوارند نزد حق تعالی و فرمان بردار اند و از وی نافرمانی نمیکنند و او نمیخورند و نمی نوشند
و نمی خسپند و جماع نمیکنند و نه او شان را حاجت بانهاست و از وصف مردی و زنی و ذکر و فرج
و زن و فرزند پاک اند و از پلیدی ظاهر و باطن جدا هر چه عالم ایشان از عالم جن و انس افضل است
از همه عوالم و بعضی از ایشان حاملان عرش اند و بعضی نیکی و بدی مردمان می نویسند و بعضی شبهای
ایشان می شنیند و بعضی محافظت و فرمان میکنند و بعضی خازنان جنت و نار اند و بعضی
بر ابر و باران و بعضی بر ارزاق و همچنان بر همه کارهای جهان و بعضی حاضر میشوند جماعتهای
مومنان او با ایشان نماز میگذارند و بعضی در آسمانها نماز میگذارند و همیشه در عبادت
حق تعالی میکنند و جبرئیل علیه السلام که صاحب وحی است و میکائیل علیه السلام که بر ارزاق است
و امطار و اسرافیل علیه السلام که صاحب صور است و عزرائیل علیه السلام که موکل بر میرانیدن
زندگانست از دیگر فرشتگان افضل اند و مر ایشان را پرهاست دو دو و سه سه و چهار چهار و بعضی را

زیاده چنانچه جبرئیل علیه السلام را ششصد پر است و هر یکی از آنها تا بعد مابین مشرق و مغرب همچنین یک پر
همچون همه پرهای جبرئیل است علیهما السلام خلقت ایشان بعضی همچون پشه و بعضی زیاده بزرگی را حد و مقدار
معین نیست که در علم ما در آید و در خوف حق تعالی اسرافیل علیه السلام با وجود بزرگی مثل گنجشک میشود و ملائکه
اندر شکل باشکال مختلفه انسان و غیر آن فقهاء رحمهم الله تعالی فرموده اند که بصورت اصلی ایشان هیچکس را از انبیاء
و صلحا و غیرهم را دیدن ممکن نیست اگر بیند الحال بمیرد مگر پیغمبر ما صلی الله علیه وسلم که دو بار جبرئیل علیه السلام را در شکل
اصلی او دیده اند که متشکل بدیگر شکل شوند بسیار صلحا و بسا اولیاء را امکان دیدن ایشان هست و پیغمبران حق تعالی
افضل الخلائق اند برگزیده اند نزد حق تعالی و فرمان بردار اند و از پیغمبری معزول نمیشوند نه در حیات و نه بعد از ممات و صادق اند و در
خبر داده اند رحمت اند مر خلائق را همه ایشان از آدمیان اند و مردان اند نه زنان و هیچکس از علما و اولیا در رسید بایشان بدرجه ایشان
نمیرسد و در عدد ایشان اختلاف است و بعضی یک لکه و بست و چهار هزار ۱۲۴۰۰۰ و بعضی دو لکه و بست و چهار هزار ۲۲۴۰۰۰ و بر ایمان آوردن بایشان
عدد معین کردن نیست بلکه بهمه ایشان ایمان باید آورد و رسل از ایشان سیصد و سیزده اند و همه از گناهان صغائر و کبائر پاک اند
و پاک اند ایشان از کفر و کذب و خیانت و فسق و خلاف عهد قبل از بلوغ و بعد متفق علیه است و پاک اند از امراض که در آن عیب است چون جنون
و جذام و برص و همانند آن و پوشیدن وحی و سهو و نسیان و غلط در تبلیغ و رسانیدن احکام حق تعالی
یا بواسطه ملک است یا الهام نمیکنند ایشان از رسانیدن و هیچ خوف کسی رسانیده و ملامت کسی نکنند باکی اندارند

احتلام و خواب غفلت بلکه خواب چشم ایشانست دل ایشان را در این معنی فضولی ایشان در خواب نمی‌کنند و بهترین

انبیا اولوا العزم اند نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلوات الله علیهم و سلامه اجمعین و بهترین ایشان محمد صلی الله تعالی

علیه و سلم که مبعوث است الی کافة الخلق سابقه را و شریعت و کتاب او ناسخ همه شرایع و کتابهاست و ما مأموریم بعمل

و کتاب او صلی الله علیه و سلم و سنت که هموار است بدین زیاده و نقصان معجز است [illegible] از اول و آخر صحابه

[illegible] ابوبکر و عمر و عثمان و علی

است رضوان الله تعالی علیهم اجمعین و با ایشان ادب [illegible] که ذکر همه صحابه به نیکویی کنیم و بد نگوییم اگر چه در میان ایشان وقوع فتنه‌ها آمد

چه ایشان مجتهدان اند و جنگهای ایشان با اجتهاد ایشان بود چون ما که طامع حطام دنیاییم پس قیاس ایشان به خود نباید کرد

و [illegible] از علامات قیامت لازم می‌آید [illegible] حساب است و ثواب و عقاب حق است [illegible]

و ظهور امام مهدی رضی الله عنه و دجال [illegible] و نزول عیسی علیه السلام و قتل آن حضرت دجال را و خروج یاجوج و ماجوج و دابة الارض

و طلوع شمس از مغرب و بسته شدن در توبه [illegible]

و دمیدن صور بار اول [illegible] و نفخ اسرافیل علیه السلام بار دوم [illegible]

[illegible] اعمال [illegible]

و پل صراط که تیزتر از تیغ و باریکتر از موی است [illegible]